

تجلی قرآن در رفتار حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

مقدمه سالار زنان ، اسوه ی نیکان، صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) شخصیت وارسته و ممتازی است که همه ی انسان های خردمند مسلمان و حتی همه ی دانایان همه ی ادیان ، به عظمت و مقام والای او اذعان کرده اند.

این بانوی بزرگ، علاوه بر شخصیت ذاتی و با عنایت به این که در مهد نبوت پرورش یافته، خود نیز برای پیمودن مدارج عالی انسانی ، نهایت دقت، مراقبت، کوشش و مجاهده ی مومنانه را به کار گرفته ، تا از طرفی شرایط لازم بندگی خدا و از طرف دیگر، رسالت قرآنی خویش را در ارتباط با ادای مسئولیت عملی و رفتاری، در برابر جامعه ای که در آن زندگی می کند، به نحو احسن و به صورت ماندگار لباس عمل بپوشاند.

اگر بخواهیم به تحلیل زندگی این بانوی بزرگ بپردازیم، باید بگوییم : فاطمه (سلام الله علیها) بانویی است، که در ایمان و عقیده، فکر و اندیشه، عمل به وظایف واجب و رفتار و کردار در حوزه های فردی و اجتماعی، از آبشخور قرآن کریم الهام گرفته و این الهام را در سراسر زندگانی کوتاه خویش، به ظهور رسانده است.

این بحث، دامنه ی گسترده ای دارد و فرصت فراوانی را می طلبد، که در این مجال، نمونه هایی از «تجلی قرآن در رفتار آن حضرت» را به مطالعه می گذاریم:

1. یاری پیامبر (ص)

پیامبر (ص) سه سال پس از دعوت پنهانی ، مأمور شد در سال سوم بعثت ، دعوت خویش را علنی سازد ، در این باره آیه نازل شد : «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر ، 94/15)

بر اساس این آیه، رسول خدا (ص) دستور یافت بدون بیم و هراس از مشرکان ، دعوت و تبلیغ خویش را علنی کند، در مقابل، آزار و اذیت مشرکان و مخالفان هم اوج گرفت ، یکی از افراد نادان به عنوان استهزاء خاک بر سر آن

حضرت ریخت و آن حضرت، در حالی که غبار آلوده شده و اشک در چشم داشت، به خانه آمد و فاطمه (سلام الله علیها) با مشاهده ی آن وضع، در حالی که گریه می کرد و سر و صورت پدر را شست و شو می داد و پیامبر (ص) نیز فاطمه را دلداری می داد گفت : دخترم ! گریه مکن، خداوند پدرت را یاری و حفظ می کند. (1)

ابن عباس می گوید :

یک روز رسول خدا (ص) درکنار کعبه حضور یافت و به نماز مشغول شد، عمرو بن هشام بن مغیره مخزومی معروف به ابوجهل، که از مشرکان مخالف پیامبر (ص) بود، به یاران و اطرافیان خود گفت: چه کسی حاضر است برود و نماز این مرد را خراب کند؟ عبدالله بن زبیری حرکت کرد و در حالی که رسول خدا (ص) به سجده رفته بود، با کمال قساوت و بی رحمی، خاکروبه و بچه دان شتری را که تازه نحر شده بود، روی آن حضرت ریخت، ولی ابوطالب، مرد مزاحم را دور کرد (2) و آن گاه فاطمه (سلام الله علیها) با دست های کوچک خویش، سر و صورت و لباس پدر را از آلودگی پاک نمود و با خشم و فریاد، مهاجمان را مورد نفرین و نکوهش تند قرار داد و سپس پدر را برای رفتن به خانه یاری رسانید. (3)

همچنین ابن عباس می گوید:

روزی گروهی از افراد قریش، در حجر اسماعیل (علیه السلام) جمع شدند و با بت های لات، عزّی و منات پیمان بستند، تا پیامبر (ص) را هر جا مشاهده کردند به قتل برسانند. فاطمه (سلام الله علیها) که کودکی بیش نبود، از این توطئه خطرناک اطلاع یافت، خود را با شتاب به پدر رسانید و در حالی که گریه می کرد، موضوع را با آن حضرت در میان گذاشت، پیامبر (ص) فرمود: دخترم ! آب حاضر کن تا وضو بگیرم، پس از وضو از خانه بیرون رفت و در مسجد الحرام حضور یافت، وقتی قریشیان آن حضرت را مشاهده کردند، گفتند: محمد (ص) همین است، ولی از شرمندگی سر خود را به زیر انداختند، نفس در سینه های آنان حبس شد، آن گاه پیامبر (ص) مشت شنی به سوی آنان پاشید و گفت: روی شما سیاه باد، بعد آنان پراکنده شدند و بدین ترتیب با هوشیاری و اطلاع رسانی فاطمه (سلام الله علیها) پیامبر (ص) با تدبیری که اندیشید، از یک توطئه حساب شده، جان سالم به در برد. (4)

راستی، وقتی در ماه رمضان سال دهم بعثت، ابوطالب، عمو و یاور مجاهد پیامبر (ص) و سه روز بعد، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همسر فداکار رسول خدا (ص) چشم از جهان بستند و پیامبر (ص) آن سال را «سال غم و اندوه» برای خود نامید. (5) و می گفت: تا روزی که ابوطالب وفات یافت، دست قریش از آزار من کوتاه بود (6) جزفاطمه (سلام الله علیها) چه دختر لایقی می توانست برای پیامبر (ص) مایه ی تسلی و قوت قلب و آرام بخش کانون زندگی آن بزرگوار باشد؟

پس از هجرت پیامبر (ص) شب اول ربیع الاول سال چهاردهم بعثت، که دشمنان در صدد به قتل رساندن او بودند، به دستور خداوند، خانه ی خویش را (مکه) ترک نمود، علی (علیه السلام) را به جای خود خوابانید و پس از ماندن سه روز در «غار ثور» در حالی که ابوبکر و دو نفر دیگر را همراه داشت، به مدینه هجرت کرد. (7)

آن حضرت به علی (علیه السلام) سفارش کرده بود، در مکه بماند و امانت های مردم را، که نزدش بود به صاحبان آنها برساند. (8) پس از آن نامه ای به علی (علیه السلام) نوشت، که وی آماده ی خروج شود علی (علیه السلام) هم به افراد باقی مانده دستور داد: بارهای سبک همراه خود بردارند و با مراقبت شدید از کمین دشمنان مکه را ترک کنند. خود نیز با تنی چند از یاران، فاطمه (سلام الله علیها) دختر رسول خدا (ص) فاطمه بنت اسد مادر خود و فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب را به طرف مدینه حرکت داد و بعد از چند روز طی طریق با مراقبت

زیاد، آنان را به سلامت به آن شهر رسانید. (9)

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که با تحمل سختی ها و تلخی ها، در راه دینداری و یاری پیامبر (ص) تجربه هایی اندوخته بود، در هر جا زمینه ای پیش می آمد و نیازی احساس می شد، با کمال ایمان و شوق فراوانی حضور می یافت و پدر را یاری می رسانید و در عین داشتن سن کم، شرایط اطاعت و نصرت پیامبر (ص) را تبلور می بخشید. سال سوم هجرت، به همراه برخی دیگر از زنان مانند: صفیّه، دختر عبدالمطلب عمه رسول خدا (ص) و خواهر حمزه سید الشهداء، برای آب و غذا رساندن به سپاه اسلام و مداوای مجروحان و خلاصه، یاری پیامبر (ص) در جنگ «احد» حضور یافته است. (10)

سهل به سعد ساعدی می گوید:

در جنگ احد وقتی دندان های پیشین پیامبر (ص) شکست و با ضربه ی شمشیر دشمن کلاه خود آن حضرت خورد شد و خون بدن و لباس او را فراگرفت، علی (علیه السلام) با سپر خود آب می آورد و روی زخم های بدن پیامبر (ص) می ریخت و فاطمه (سلام الله علیها) بدن پدر را شست و شو می داد، فاطمه (سلام الله علیها) وقتی هم مشاهده کرد خون زخم بند نمی آید، قطعه ی حصیری را سوزانید و خاکستر آن را روی زخم های بدن پیامبر (ص) نهاد تا خون بند بیاید. (11)

پس از پایان همین جنگ بود، که علی (علیه السلام) ذوالفقار، شمشیر خون آلود خود را به فاطمه (سلام الله علیها) داد تا خون آن را بشوید و اضافه کرد: فاطمه! این شمشیر را تحویل بگیر، زیرا که امروز با من خوشرفتاری نمود، رسول خدا (ص) ادامه داد: فاطمه جان! این شمشیر را بگیر، چون شوهرت حق خود را ادا کرد و خداوند با آن سردمداران قریش را نابود کرد. (12)

بابا؛ بگو بر اساس شواهد تاریخی، در حالی که هنوز ادب قرآنی همه ابعاد زندگی مردم را فرا نگرفته بود، بسیاری از افراد به عادت منحط و سخیف روزگار جاهلی، به هنگام صدا زدن پیامبر (ص) آن بزرگوار را بدون توجه به مقام نبوت و رسالت، و با تعبیر: یا محمد! یا محمد صدا می زدند، که به منظور آموزش ادب و تربیت گفتاری و محاوره ای، آیه ی 63 سوره ی نور نازل شد.

امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

وقتی آیه: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (نور، 63/24)، نازل شد، یعنی خواندن پیامبر (ص) را در میان خود، مانند خواندن (و صدا زدن) بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر تلقی نکنید، فاطمه (سلام الله علیها) هم آن حضرت را چند بار با تعبیر: یا رسول الله (ص)! صدا زد، ولی رسول خدا (ص) جواب نداد و روی خود به سوی فاطمه (سلام الله علیها) برگردانید و فرمود: دخترم! فاطمه جان! این آیه درباره ی تو نازل نشده، بلکه درباره ی جفاکاران خودخواه نازل شده، و: «أَنْتَ مَنِّي وَأَنَا مِنْكَ، قَوْلِي يَا أَبَه، فَانْهَ أَهْبِي لِلْقَلْبِ وَأَرْضِي لِلرَّبِّ؛ تو از من هستی و من از تو هستم، تو بگو: بابا، زیرا بابا گفتن تو، دل را زنده و خدا را خشنود می گرداند.» (13)

2. ازدواج فاطمه (سلام الله علیها)

قرآن کریم، ازدواج را با تعبیر: «مِثَاقًا غَلِيظًا». (نساء، 21/4) یعنی، پیمان محکم و استوار یاد کرده که علاوه بر قداست آن، برای تحقق این پیمان، به کارگیری مطالعه و دقت فراوان هم لازم است. چنان که حفظ این پیمان نیز مراقبت و هوشیاری زیادی می طلبد. پیامبر (ص) نیز، در مورد ازدواج حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با وجود که خواستگاران متعددی داشت، به خاطر عدم سنخیت و تناسب فکری و ایمانی، این پیمان را استوار نمی یافت و در پی آن اشکالاتی احساس می کرد، بدین جهت در مرحله ی اول، دستور آن را آسمانی و الهی اعلام کرد و با ازدواج فاطمه (سلام الله علیها) با آنان موافقت نکرد. (14)

اما به هنگام خواستگاری علی (علیه السلام) برای ارزش نهادن به کرامت انسانی زن و آزادی در انتخاب همسر و نیز الگودهی به دیگران، خطاب به فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: «ماترین؟» نظر تو در ارتباط با ازدواج با علی (علیه السلام) چیست؟ (15) پس از این مراحل، ازدواج فاطمه (سلام الله علیها) با علی (علیه السلام) با کمال سادگی و نهایت دقت انباشته از ایمان و صمیمیت برقرار گردید، تا همان طور که قرآن کریم فلسفه ی آن را «برقراری مودت و رحمت» (16) بیان داشته، این فلسفه تحقق عملی یابد و دیگران نیز این شیوه ی زیبا و سرنوشت ساز را معیار زندگی عاقلانه و شرافت مندانه و سعادت مندانه قرار دهند، و این معنا، در سراسر زندگی فاطمه (سلام الله علیها) و علی (علیه السلام) در همه ی ابعاد، نمایش چشمگیری داشت.

3. همسر داری زهرا (سلام الله علیها)

در قرآن کریم، گروهی از زنان با تعبیر: «الصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ» (17) بانوان صالح و با ظرفیت معرفی شده اند که دارای دو ویژگی مهم، در حضور و غیاب همسران خویش هستند، یعنی این دسته از زنان، در برابر و حضور همسران، تواضع و فروتنی و نرمش و سازگاری دارند و در غیاب همسران نیز، حافظ اسرار و شئون و حقوق مادی و معنوی شوهر می باشند.

طبیعی است که در پرتو این صلاحیت ها و شایستگی ها، که دو محور کلی آن مطرح گردید، ده ها خصلت های اخلاقی و حقوقی مثبت و موفقیت پرور، و آرامش در زندگی ناشی می گردد، که فاطمه (سلام الله علیها) دارای همه ی آنها بود و می کوشید با وجود کمبودها و تنگناها سخت زندگی آن روز، به هیچ وجه وسیله ی رنجش و آزردهی علی (علیه السلام) را فراهم نیاورد و حتی خواسته کوچکی هم، که همسر را در مضیقه قرار دهد نداشته باشد، که نمونه هایی از آن در تاریخ آمده است.

آری، پرهیز از زرق و برق ها و حتی صرف نظر کردن از برخی ضروریات زندگی به خصوص در آن شرایط، فاطمه (سلام الله علیها) را در افق بلندی از شخصیت و هویت انسانی قرار داده بود، که حتی بر حسب گواهی تاریخ، روزی علی (علیه السلام) از فاطمه (سلام الله علیها) در خواست می کند، آن بانو چیزی از وی بخواهد و پس از اصرار و سوگند، فاطمه (سلام الله علیها) بیمار می گوید: اگر اتاری باشد به آن میل دارم، که علی (علیه السلام) برای تهیه ی آن از خانه بیرون می رود تا آن را فراهم آورد... (18) اما به هر حال سراسر زندگی فاطمه (سلام الله

علیها) و علی (علیه السلام) صفا و یک رنگی ، صداقت و درستی ، مهر و محبت و بلکه در سختی ها و مصائب مختلف سخت، با فداکاری و از خود گذشتگی فوق العاده انباشته است و نور ایمان کانون خانواده ی آنان، به همه جا پرتو افشانی می کند.

4. عبادت و شب زنده داری

اگر دامنه ی عبادت را به وظایفی که با انگیزه ی الهی و نتیجه ی خدمت رسانی به جامعه صورت می گیرد، تعمیم دهیم، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در این قلمرو نیز با استفاده از ایده های قرآنی نمونه ی کاملی بوده است، اما اگر عبادت به معنای خاص آن، به خصوص خالصانه ترین و مؤمنانه ترین آن را ، در قالب نماز و نیایش و شب زنده داری ، در نظر بگیریم، آن بانوی بزرگ به متابعت از پدر ، ید طولا و شیفتگی خاصی داشته است.

قرآن کریم، چنین عبادتی را نشانه ی خردمندی و عقلانیت معرفی کرده و داستانی از آن را این گونه به تصویر می کشد: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ...» (آل عمران ، 191/3)؛ خردمندان و اولوالالباب کسانی هستند که در حال ایستاده و نشسته و بر پهلو خفته، در همه ی حالات خدا را یاد، و نیایش می کند و در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند.

در تفسیر این آیه ، عطاء بن ابی رباح روایت کرده :

روزی نزد عایشه همسر پیامبر (ص) رفتم و از او خواستم شگفت انگیز ترین چیزی را که در طی عمر خود از پیغمبر (ص) مشاهده کرده بیان کند، وی سراسر کارهای پیامبر (ص) را عجیب توصیف نمود و درباره ی عجیب ترین آنها گفت : شبی از شب ها که پیامبر (ص) در منزل من بود به استراحت می پرداخت ، هنوز آرام نگرفته بود، که برخاست و لباس پوشید و وضو گرفت و به نماز ایستاد و آن قدر در حال نماز و راز و نیاز با خدا اشک ریخت که جلو لباسش از اشک چشمش خیس شد، سپس سر به سجده گذاشت و آن قدر گریه کرد، که زمین از اشک چشم او خیش شد و این اشک و ناله تا طلوع صبح ادامه داشت ، تا این که بلال مؤذن او را به نماز صبح فرا خواند، اما وی مشاهده کرد آن حضرت گریان است، گفت: شما که مشمول عنایت خدا هستید، این همه گریه برای چیست؟

پیامبر (ص) فرمود: افلا اکون لله عبدا شکورا؟ آیا نباید بنده ی شکرگزار خدا باشم؟ چرا گریه نکنم؟ خداوند در شبی که گذشت، آیات تکان دهنده ای نازل کرد، سپس به خواندن پنج آیه آخر سوره ی آل عمران پرداخت و ادامه داد: وای به حال کسی که این آیات را بخواند و در آنها نیندیشد. (19)

فاطمه (سلام الله علیها) از این حالات مطلع می شد و بارها اتفاق می افتاد، که وقتی پیامبر (ص) علی (علیه السلام) و حسن و حسین (علیه السلام)، سلمان فارسی ، عمار یاسر و گاهی دیگران برای دیدار یا انجام کاری وارد می شدند، علاوه بر عبادت به معنای عام، او را در مصلا و محراب عبادتی که برای خود ترتیب داده بود می دیدند. (20)

حسن بصری (که یکی از زهاد هشتگانه بود، 112 هـ) (21) گفته است :

«ما کان فی هذه الامه أعبد من فاطمه (س) کانت تقوم حتی تورم قد ماه.» (22)

در میان این امت ، عابدتر از فاطمه (سلام الله علیها) وجود نداشت، آن قدر به عبادت می ایستاد، که پاهای وی ورم کرده بود.

در بیانی وارد شده که خداوند به فرشتگان فرموده: بنده ی من فاطمه را مشاهده کنید، چگونه در برابر من ایستاده که از خوف من بندهایش می لرزد و با قلب و روح خود به عبادت من می پردازد ... (23)

5. دیگر خواهی و ایثار

تواضعی به حق، که از ارکان سعادت انسان و جامعه است و مورد سفارش قرآن کریم قرار گرفته (24) خصلتی است که از ایمان و درون پاک خیرخواهانه نشأت می گیرد و با پیمودن سیر مراحل تکاملی ، به مرحله ی ایثار و تقدم دیگران بر خویشتن ، انسان را در مقام بلند درخشانی قرار می دهد. تجلی این دو خصلت متعالی را در موارد مختلف زندگی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بارها می توان یافت، که به سه نمونه اشاره می شود:

1. امام حسین (علیه السلام) ازبرادر خود امام حسن (علیه السلام) روایت می کند که شب جمعه ای مادرم فاطمه (سلام الله علیها) را مشاهده کردم ، که در محراب عبادت خویش درحال نماز پیوسته رکوع و سجود انجام می داد تا سفیده ی صبح طلوع کرد، من می شنیدم ، که وی برای مردان و زنان با ایمان، زیاد دعا می کرد و هرگز برای خویش دعایی نکرد! گفتم : مادر جان! من هر چه گوش دادم برای دیگران دعا می کردی ، چرا برای خود دعا نکردی، فرمود : «همسایه حق تقدم دارد ! الجار ثم الدار.» (25)

2. در سرگذشت دیگری ، که نتیجه ی روح دیگر خواهی و بلکه ایثار فاطمه (سلام الله علیها) است، علاوه بر دعا جهت خیر و سعادت افراد، رفتار ایثار گرانه ی آموزنده ای مشاهده می کنیم. ابن جوزی روایت کرده :

رسول خدا (ص) برای شب عروسی فاطمه (سلام الله علیها) که پیراهن او کهنه و وصله دار بود ، پیراهن نوی خریداری کرده بود، در آن شب فقیر تهی دست به خانه ی فاطمه (سلام الله علیها) مراجعه کرد و ناله سر داد : که من از اهل بیت نبوت ، پیراهن کهنه ای می خواهم ، فاطمه (سلام الله علیها) تصمیم گرفت پیراهن کهنه ی خود را به او بدهد، ناگاه به فکر آیه ی قرآن افتاد که می فرماید : «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (آل عمران ، 92/3) بدین جهت ، در شب زفاف پیراهن نو شب عروسی خود را به فقیر داد. (26)

3. زمخشری ، در تفسیر «الکشاف» از ابن عباس روایت کرد: وقتی حسن و حسین (علیه السلام) بیمار شدند ، پیامبر (ص) با گروهی از یاران به عیادت آنان رفتند، وقتی علی (علیه السلام) را در کنار آنان دیدند گفتند : اگر برای دو فرزندت نذری کنی آنان شفا می یابند، آن گاه علی (علیه السلام) ، پیامبر (ص) ، فاطمه (سلام الله علیها) و فضه ی خدمتگزار ، نذر کردند اگر حسن و حسین (علیه السلام) بهبودی یابند، آنان سه روز ، روزه بگیرند، آن دو بهبودی یافتند و آنان روزه گرفتند، اما صبح روز اول فاطمه (سلام الله علیها) متوجه شد برای افطار غذایی در خانه نیست، ناچار علی (علیه السلام) سه کیلو جو قرض گرفت، فاطمه (سلام الله علیها) با دستاس آن را آرد کرد و برای روز اول با آن آرد جو، پنج عدد نان پخت و آماده

افطار شدند، که نیازمندی مراجعه کرد و غذا درخواست نمود، ناچار همه نان خویش را به او دادند و خود با آب افطار کردند، دو روز دیگر نیز بدین ترتیب گذشت و آنان با دادن غذای خویش به یتیم و اسیری که تازه آزاد شده بود، خود با آب افطار کردند و دیگران را بر خویش مقدم داشتند. آری به قول زمخشری نیز، بدین مناسبت سوره ی هل اتی نازل شد و آنان را ابرار نامید، که در بهشت دارای مقام عالی هستند، چه این که با ایثار و مقدم داشتن گرسنگان بر خویشان و با وجود نیاز، به هنگام ادای نذر، به خاطر خدا غذای خود را به مسکین و یتیم و اسیر داده بودند. (27)

6. آموزش دیگران

قرآن کریم، با بیان: «وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابُ...» (بقره، 129/2) پیامبر (ص) را به آموزش کتاب و حکمت و معارف دین مأمور می کند. امام صادق (علیه السلام) فرموده: حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به حضور رسول خدا (ص) رسید و برخی مشکلات و سؤالات خود را با آن حضرت در میان گذاشت، رسول خدا (ص) جزوه ای به آن بانو داد و فرمود: تعلمی ما فیها، آن چه در این جزوه آمده بیاموز، در آن جا آمده بود: «**مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلَا يُوْذِي جَارَهُ...**؛ هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، همسایه ی خود را آزار نمی رساند، هر کس به خدا و قیامت ایمان دارد میهمان خویش را گرامی می دارد، هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، یا سخن حق می گوید یا ساکت می ماند.» (28) بر اساس این آموزه نیز، فاطمه (سلام الله علیها) خود را موظف می دید در هر فرصت مناسب خود را آموزگار دیگران بداند و معارف دین را به آنان آموزش دهد یا پاسخ گوی مردان و زنان باشد، که یکی از موارد آن چنین است:

امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت کرده است:

زنی به حضور فاطمه زهرا (سلام الله علیها) رسید و عرض کرد، مادری دارم که علیل و ناتوان است و درباره ی نماز خود با اشکالاتی مواجه می شود، مرا نزد شما فرستاده تا مشکلات و سؤالات او را با شما در میان گذارم، فاطمه (سلام الله علیها) به سؤال اول زن پاسخ داد، زن پرسش دیگری مطرح کرد و جواب شنید تا این که سؤالات زن به ده سؤال رسید و فاطمه (سلام الله علیها) با حوصله، جواب های هر یک را بیان کرد، ولی آن زن به خاطر سؤالات متعدد و خسته کننده شرمند شد و گفت: بیشتر زحمت نمی دهم! اما فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: نگران نباش و هر سؤالی داری مطرح کن، زیرا من به خاطر جواب دادن هر سؤال پاداش خواهم داشت، اگر کسی در مدت یک روز بار سنگینی را به بالای پشت بام خانه یا ساختمانی ببرد و در مقابل آن حق الزحمه معادل هزار دینار دریافت کند، آیا تحمل این زحمت برای او نگرانی دارد؟ زن عرض کرد: نه. فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: من هم به خاطر هر جوابی که به تو می دهم، از سوی خداوند پاداش خواهم داشت. بنابراین؛ نگران نباش، این از آموزش های پدرم رسول خدا (ص) است، که دانشمندان پیرو مکتب ما، روز قیامت به میزان دانش و علومی که در جهت ارشاد مردم به کار گرفته اند، محشور می شوند و دارای مقام بلند خواهد بود و به آنان خطاب می شود، ای کسانی که سرپرستی یتیمان آل محمد (ص) را به عهده گرفته اید و پدران روحانی و رهبران دینی بوده اید،

پاداش بزرگ خود را دریافت دارید.

سپس فاطمه (س) ادامه داد: ای زن! خداوند بر چنین عالمی لباس های فاخری می پوشاند، که هر تار و پود آن از تمام پدیده هایی که آفتاب بر آن می تابد، یک میلیون بار با ارزش تر است، زیرا همه ی پدیده های عالم، دستخوش تیرگی و کدورت هستند، جز علم و دانش، که تأثیر آن ماندگار است. (29)

باری، احادیث و معارف زیادی به منظور یک سلسله آموزش های رفتاری وارد شده، ولی متأسفانه برخی احادیث آن بزرگوار را بیش از 18 مورد ندانسته اند. (30) در حالی که محقق ارجمند مرحوم شیخ احمد رحمانی همدانی، 83 مورد از احادیث حضرت زهرا (سلام الله علیها) جمع آوری نموده (31) و 29 مورد آن را این جانب در کتاب «فاطمه، الگوی زن مسلمان» که با موضوع کتاب تناسب داشته با ترجمه و اندکی شرح آورده ام. (32)

7. تعلیم و تربیت فرزندان

قرآن کریم، به همه ی اهل ایمان دستور می دهد، خویشتن و اعضای خانواده ی خود را، از آتش دوزخ (حفظ کنند) و نگه دارند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ». (تحریم، 6/66)

نگه داشتن خویشتن، به ترک گناه و لغزش ها و پرهیز از پیروی تمایلات نفسانی است و نگه داشتن اعضای خانواده، به تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و پیشگیری از لغزش ها و آلودگی می باشد.

این جهات، وظیفه ی اجتناب ناپذیر هر فرد مسلمان است و بر اساس این آموزه، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که در بستر وحی پرورش یافته و رسالتی فوق العاده احساس می کند، تعلیم و تربیت همه جانبه را با جدیت نسبت به فرزندان خویش به کار می گیرد.

فاطمه (سلام الله علیها) برای دست یابی به این هدف مهم تعلیم و تربیتی، از گفتن اذان و اقامه با سرودن نغمه ی توحید در گوش حسن و حسین (علیه السلام) و نیز انتخاب نام زیبا و پرمعنا برای آنان با درخواست از پیامبر (ص) آموزش آنان را آغاز می کند. (33) حضرت حسن (علیه السلام) را از کودکی برای یادگیری به مسجد می فرستاد تا پیام پیامبر (ص) را دریافت کند. (34) تفریح و بازی کودکانه با آنان برقرار می سازد. (35) مسابقه خطاطی و کشتی گیری صورت می دهد. (36) به حضور و غیاب آنان توجه جدی می نماید. (37) در غذا و لباس، محبت و عدالت به کار می گیرد. (38) و بالاخره با روز خوابان کودکان و غذای کم به آنان دادن، برای بیدار ماندن و عبادت در شب قدر (39) شیوه های مختلف و متنوع تعلیماتی و تربیتی را معمول می دارد.

8. کار، در خانه

تلاش و کار و فعالیت و به کار گیری نیروها و انرژی ها، جوهر حیاتی زندگی انسان هاست و عضو عاطل و باطل، اصولاً در نظام خلقت وجود ندارد. قرآن کریم با صراحت می فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم،

39/53) برای انسان ، جز آن چه تلاش می کند، محصول دیگری نیست.

و نیز قرآن دستور می دهد : «فاذا فرغت فانصب.» (انشراح ، 7/94)

هر گاه از کار مهمی فارغ شدی ، به کار مهم دیگری اقدام کن. همه ی پیامبران و امامان (علیه السلام) و همه ی پیشوایان دینی ، کار و تلاش و فعالیت جدی داشتند و لحظه ای از کوشش و تلاش غفلت نمی کردند. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نیز کار و تلاش زیادی انجام می داد. در اوایل ازدواج با علی (علیه السلام) به حضور پیامبر (ص) رسیدند و آن حضرت کارهای داخل خانه را به فاطمه (سلام الله علیها) سپرد و کارهای بیرون را به علی (علیه السلام) واگذار نمود و فاطمه (سلام الله علیها) بارها از این تقسیم کار ، اظهار خشنودی و رضایت می کرد. (40)

علی (علیه السلام) به مردی از «بنی سعد» می گوید : می خواهی داستانی از زندگی خود و فاطمه (سلام الله علیها) را برای تو بازگو کنم ؟ فاطمه (سلام الله علیها) محبوب ترین کس نزد رسول خدا (ص) بود، او در خانه ی من آن قدر با مشک آب کشید، که بند مشک در سینه ی او جای گذاشت و آن قدر دستاس (آسیاب) کرد ، که کف دست او پینه بست و آن قدر خانه را جاروب نمود ، که لباس او رنگ خاک گرفت و آن قدر برای غذا پختن آتش زیر دیگ افروخت که لباس او سیاه و چرکین می شد. (41)

فاطمه (سلام الله علیها) برای گرفتن خدمتگزار به حضور پیامبر (ص) رفت، ولی با توجه به این که هنوز مهاجران آواره ای در «صفه ی مسجد» زندگی می کردند، آن حضرت دادن خدمتگزار به فاطمه (سلام الله علیها) را روا نداشت ، بلکه به منظور تقویت روحیه و برکت معنوی در زندگی ، 33 تسبیح ، 33 بار تحمید و 34 مرتبه تکبیر را به فاطمه آموخت ، تا از اعطای خدمتگزار بهتر باشد. (42)

جابر بن عبدالله انصاری نیز روایت کرده :

پیامبر (ص) فاطمه (سلام الله علیها) را دید، که پیراهنی بسیار خشن و کم ارزش پوشیده ، با یک دست آسیاب می کند و در همان حال فرزند خود را شیر می دهد ، آن حضرت در حالی که اشک می ریخت فرمود: دخترم ! سختی های این دنیا را تحمل کن تا به شیرینی و حلاوت های آخرت دست یابی ، فاطمه (سلام الله علیها) حمد نعمت های الهی را به جای آورد و به همین مناسبت ، آیه بر پیامبر (سلام الله علیها) نازل شد : «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى.» (ضحی، 5/93) پروردگار تو، آن قدر به تو عطا خواهد کرد ، که خشنود شوی. (43)

9. دفاع از امامت

سه سال بعد از بعثت و تبلیغ پنهانی ، وقتی آیه : «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء، 214/26) نازل شد تا پیامبر (ص) قوم و خویشان نزدیک خویش را آشکارا به اسلام دعوت نماید، آن حضرت به علی (علیه السلام) دستور داد، آنان را که چهل نفر بودند، با پختن ران گوسفندی که برکت یافت، با غذا پذیرایی کند، آن گاه در میان آنان خطابه ای که با دعوت به توحید شروع می شد ایراد کرد و اعلام داشت : «أمرنی الله تعالى أن أدعوکم الیه ، فأیکم یؤازرنی علی هذا الأمر، أن یکون أخی، و وصیی و خلیفتی فیکم؟ اما جز علی (علیه السلام) که از همه کم سن و سال تر بود، کسی این دعوت را نپذیرفت.» (44)

فاطمه ی کوچک ناظر این صحنه بود و محتوای آیه قرآن و رسالت پدر و موضوع جانشینی بعد از آن حضرت را می شنید. بدین جهت ، به منظور متابعت پیامبر (ص) همه ی افکار و اعمال خویش را تنظیم نمود و در این راه چنان که مطالعه کردیم، انواع سختی ها و تلخی را به جان خرید، اما مهم ترین رفتار مؤمنانه ، شجاعانه و مجاهدانه آن بانوی بزرگ را در دفاع از مقام والای امامت علی (علیه السلام) همسرش که جانشین به حق پیامبر (ص) بود می توان دانست ، که سه نمونه حساس آن را اشاره می کنیم:

1. پس از وفات رسول خدا (ص) که مجرای خلافت و امامت عوض شد، فاطمه (سلام الله علیها) سوار بر مرکب و علی (علیه السلام) نیز درحالی که دست حسن و حسین (علیه السلام) را به دست گرفته بود. (45)

شبانۀ در خانۀ های انصار رفتند و برای امامت علی (علیه السلام) یاری جستند، ولی متأسفانه ، آنان با پاسخ : ای دختر رسول خدا (ص) شما دیر آمدید و ما قبلاً بیعت کرده ایم ! اگر علی (علیه السلام) همسر تو زودتر می آمد با او بیعت می کردیم، حاضر به یاری نشدند و فاطمه (سلام الله علیها) با ناراحتی فرمود: علی (علیه السلام) وظیفه ی خود را انجام داد، مردم هم کاری کردند ، که پاداش آن را همان چیز داد. (46)

2. محمود بن لبید می گوید :

فاطمه (سلام الله علیها) پس از وفات رسول خدا (سلام الله علیها) پیوسته کنار مزار شهدای احد و به خصوص حمزه ی سید الشهداء می رفت و به گریه و سوگواری می پرداخت ، یکی از آن روزها نزد آن بانو رفتم ، او را تسلی و دلداری دادم و سؤال کردم : آیا رسول خدا (ص) قبل از وفات خویش درباره ی امامت علی (علیه السلام) به طور خصوصی و یا صریح چیزی گفته بود ؟!

فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: من از تو تعجب می کنم ، مگر داستان غدیر خم را فراموش کرده ای؟ علاوه بر این ، از پدرم شنیدم که می فرمود : علی (علیه السلام) بهترین جانشین من است ، و باید بدانیم ، که آن حضرت فرمود: حکایت علی (علیه السلام) حکایت کعبه است که مردم باید سراغ آن بروند ، نه این که کعبه دنبال مردم حرکت کند. (47)

3. حساس ترین و مهم ترین رفتار حضرت زهرا (سلام الله علیها) به منظور دفاع از امامت علی (علیه السلام) و بلکه کیان اسلام ناب ، خطابه ی معروفی است ، که آن حضرت آن را پس از وفات رسول خدا (ص) در مسجد مدینه خطاب به همه ی مهاجران و انصار ایراد فرمودند، که احمد بن ابی طاهر (380هـ) معروف به ابن طیفور، و دیگران آن را روایت کرده اند و محتوای این خطابه را فاطمه (سلام الله علیها) با دانش و معرفتی که از پیامبر (ص) آموخته، بر اساس معارف توحیدی ، تبیین موضوع مهم نبوت ، معرفی قرآن ، فلسفه احکام ، زحمات و خدمات رسول خدا (ص) برای نجات امت از نکتب جاهلیت و نیز موقعیت همسرش علی (علیه السلام) را در نظر پیامبر (ص) معرفی می کند و به نکوهش غاصبان و یاران سست عنصر می پردازد ، تا بلکه به راه حق آیند و از وادی انحراف و هلاکت رهایی یابند . (48) اما..

پی نوشت:

2. تاريخ يعقوبى ، 25/2.
3. بحار الانوار ، 188/18.
4. همان ، 60/18.
5. اسد الغابه ، 439/5؛ بحار الانوار ، 17/19 و 25.
6. تاريخ يعقوبى ، 35/2؛ تاريخ پیامبر اسلام ./168
7. السيره النبويه ، 129/2؛ تاريخ يعقوبى ، 39/2؛ تاريخ پیامبر اسلام ./214-217.
8. همان.
9. بحار الانوار ، 65/19- 66.
10. فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد ./104
11. بحار الانوار ، 31/20.
12. همان ، 88/20 ؛ فاطمه من المهد الى اللحد ./106
13. تفسير نور الثقلين ، 629/3؛ بحار الانوار ، 33/43.
14. كافى ، 328/5؛ من لايحضره الفقيه ، 249/3؛ بحار الانوار ، 93/43.
15. بحار الانوار ، 93/43 ؛ فاطمه من المهد الى اللحد ./114-119.
- 16.سوره ی روم ، آیه ی 21.
17. سوره ی نساء، آیه ی 34.
18. رياحين الشريعة ، 143/1.
19. تفسير منهج الصادقين ، 410/2.
20. فاطمه من المهد الى اللحد ./172-173.
21. الكنى و الالقاب ، 76/2؛ فرهنگ عميد 0 تاريخ جغرافيا ./375
22. بحار الانوار ، 84/43.
23. فاطمه من المهد الى اللحد ، ./173
- 24.تواصوا بالحق ... سوره ی والعصر ، آیه ی 3.
25. علل الشرايع 1/182؛ بحار الانوار ، 82/43.
26. نزّه المجالس ، 226/2 ؛ فاطمه من المهد الى اللحد./127
27. الغدير ، 111/3؛ احقاق الحق ، 171/3؛ فاطمه من المهد الى اللحد ./164
28. كافى ، 667/2؛ فاطمه من المهد الى اللحد ./190
29. منيه المريد /32؛ بحار الانوار ، 3/2.
30. الثغور الباسمه ./52
31. فاطمه الزهرا (سلام الله عليها) ؛ بهجه قلب المصطفى /265-308
32. فاطمه ؛ الكوى زن مسلمان /139-159.
33. بحار الانوار ، 238/43-240.
34. همان .
35. همان ، 286/43.

36. همان / 286 و 309.
37. همان / 316.
38. همان / 283.
39. همان ، 10/94.
40. قرب الاسناد / 55، ح 160؛ بحار الانوار ، 81/43.
41. مسند احمد بن حنبل ، 329/2؛ بحار الانوار ، 82/43.
42. الثغور الباسمه / 22؛ بحار الانوار ، 83/43 و 89.
43. مجمع البيان ، 505/5 ؛ بحار الانوار ، 86/43.
44. تاريخ الامم و الملوك ، 217/2؛ الارشاد ، مفيد / 29.
45. شرح نهج البلاغه ابن ابي الحديد ، 47/2.
46. الامامه و السياسيه ، 12/1؛ بحار الانوار ، 355/28.
47. اسد الغايه ، 31/4؛ فضائل الخمسه ، 176/1.
48. بلاغات النساء / 12-14؛ شرح حديد ، 216/16 - 217؛ الاحتجاج ، طبرسى 141/1 - 131؛ بحار الانوار ، 230-220/29.